

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

فرستنده: بابک یزدی

۲۹.۰۴.۱۰

## خلیل کیوان:

### درباره یک توطئه ناکام رژیم علیه حزب کمونیست کارگری

سفارتخانه های جمهوری اسلامی لانه ترور است!

مصاحبه با خلیل کیوان درباره یک توطئه ناکام رژیم علیه حزب کمونیست کارگری ایران  
**ندای انقلاب:** حزب کمونیست کارگری ایران اطلاعیه ای منتشر کرده است و در آن به یک توطئه ناکام رژیم علیه حزب اشاره کرده است. موضوع چیست؟ میتوانید این مسأله را برای خوانندگان نشریه باز کنید؟ این توطئه چه بوده است؟

**خلیل کیوان:** همانطور که در اطلاعیه اعلام کردیم "بابک شدیدی" توسط مامورین وزارت اطلاعات برای اجرای یک توطئه علیه حزب به کار گرفته شده بود. او در نیمه راه این طرح جنایتکارانه پشیمان شد و ماجرا را برای ما و پولیس بر ملا کرد. بناء به اظهارات او طرحی برای ترور چند تن از اعضای رهبری حزب در دستور رژیم بود. ترور قرار بود در المان در یک جلسه گفت و شنود که چهار تن از اعضای رهبری حزب در آن شرکت داشتند با گاز سمی صورت گیرد. این اطلاعاتی است که در اختیار ما و پولیس سویدن قرار گرفته است. موضوع از طرف پلیس در حال پیگیری است.

**ندای انقلاب:** این اولین مورد است که شنیده میشود جمهوری اسلامی از این روش استفاده کرده است و یا میخواستند است استفاده کند. به چه صورت؟

**خلیل کیوان:** باید بر این تأکید کنم که منبع ما در مورد جزئیات طرح اظهارات "بابک" است. بناء به گفته او قرار بود یک قطعه ای که ابعاد آن در حد یک قوطی کبریت است به زیر میز پانل چسبانده شود. ضامن این دستگاه بسیار کوچک حاوی گاز سمی - که نوع آن برای ما ناروشن است - قرار بود با کنترل از راه دور رها شود و گاز که نه رنگ دارد و نه بو، محوطه اطراف میز پانل را پوشش دهد. بناء به گفته تروریست های جمهوری اسلامی که طرح را برای "بابک شدیدی" در یک محل مخفی در سویدن توضیح داده اند و فلمی را هم از شکل و نحوه کار آن برایش نمایش داده اند، فقط ده دقیقه پس از رها کردن ضامن و پخش گاز، کار سخنرانان یکسره میشد. قرار بوده است تیمی

در المان "بابک" را ملاقات و این قطعه را به وی تحویل دهند. و فردی هم از راه دور ضامن این دستگاه را آزاد کند. این موضوع در شکایت "بابک" به پولیس منعکس شده است.

**ندای انقلاب:** این اتفاق کی قرار بود رخ دهد؟

**خلیل کیوان:** در ماه ژانویه امسال یعنی حدود سه ماه قبل.

**ندای انقلاب:** چرا با این تأخیر در مورد آن صحبت میکنید؟

**خلیل کیوان:** ما باید سنجیده حرکت میکردیم. ابتداء باید مطمئن میشدیم که این اطلاعات واقعی است. در عین حال باید ابعاد مسأله را تا حدی که ممکن بود روشن میکردیم. میخواستیم بدانیم حال که این توطئه عملی نشد، به دنبال چه هستند. به علاوه، مدتی طول کشید تا "بابک" تصمیم بگیرد علنی در مورد این مسأله صحبت کند. همچنین، بایستی قبل از افشاگری در مورد این مسأله، موضوع قانونی به جریان می افتاد. بالاخره، "بابک" به پولیس مراجعه کرد و از اینکه او را تحت فشار گذاشته و به همکاری کشانده اند و قصد داشته اند او را به یک تله جنائی و تروریستی بکشانند، شکایت کرد. همزمان حزب هم شکایت خود را به پولیس ارائه داد.

اگر چه عضویت "بابک" در حزب عملاً خاتمه یافته بود اما در عین حال ما مراقب بودیم که زندگی او دستخوش ناملازمات بیشتری نگردد. میبینید که این کار ظرائفی داشت که مستلزم وقت و دقت بود و ما باید به همه آنها توجه میکردیم. طوری حرکت کردیم که نگذاشتیم وزارت اطلاعات از اینکه ما از موضوع مطلع شده ایم بویی ببرد. ما در این مدت درجه مراقبت های امنیتی مان را بالا بردیم و در عین حال همه فعالیت هایمان را بروال همیشگی ادامه دادیم.

**ندای انقلاب:** فکر میکنید چگونه میتوان جلو این توطئه ها و تلاشهای جمهوری اسلامی را گرفت؟

**خلیل کیوان:** اولاً اشکال فعالیت های امنیتی، تروریستی و سیاسی جمهوری اسلامی در خارج علیه مخالفان و احزاب و سازمانهای اپوزیسیون متنوع است. اینها را باید از هم تفکیک کرد.

برخی از فعالیت های جمهوری اسلامی ظاهر سیاسی و فرهنگی دارد و تحت پوشش های مختلف به پیش برده میشود. "مرکز مطالعات ایران شناسی" در تورنتو که اخیراً افشاء شد، یک نمونه متأخر است. جمهوری اسلامی نهادها و مراکز متعددی در خارج با بودجه هنگفت برای مقاصد سیاسی و امنیتی ایجاد کرده است. اینها را باید افشاء کرد و حتی قانوناً در پی برچیده شدن آنها بود.

تحت فشار قرار دادن فعالین سیاسی و مخالفین رژیم در خارج از طریق فشار به بستگان آنها در ایران، روشی است که از طرف جمهوری اسلامی به کار گرفته میشود. ابعاد این مسأله در برخی از کشورها، وسیع بوده است و نمونه هائی نیز افشاء شده است. در سویدن این مسأله بارها به رسانه ها و مطبوعات هم کشید شده است. نمونه های متعددی هم چه در سالهای گذشته و چه ماه ها و هفته ها و حتی روزهای اخیر به ما گزارش شده است. دور کردن برخی از اعضاء از احزاب و سازمانها و یا حتی پاسیو کردن آنها و در موارد معدودی حتی به همکاری کشاندن آنها مثل نمونه فوق، از اهداف امنیتی و سیاسی رژیم در خارج کشور است. در واقع ایجاد فضائی که مردم به سمت مبارزه سیاسی و به ویژه احزاب و سازمانهای سیاسی کشانده نشوند، بخشی از ستراتیژی سیاسی امنیتی جمهوری اسلامی در خارج است. راه مقابله با این سیاست علنی کردن آن و تعرض محکم و قاطع به جمهوری اسلامی است. با خانواده هر کس تماس میگیرند بهتر است موضوع را علنی کند و آنرا به اهرم فشاری علیه جمهوری اسلامی تبدیل کند. تجربه نشان داده است که هر کس مقابله قاطع کند جمهوری اسلامی دست از سر خانواده آنها بر می دارد.

در دوره ای که با اعتراضات گسترده مردم روبرو هستیم مثل ده ماه گذشته، هر جا که فشار اپوزسیون و مردم بر رژیم سنگین است، تقویت امثال توده ای اکثریتی ها و طرفداران موسوی و کربوبی نیز بخشی از ستراتیژی سیاسی امنیتی رژیم در خارج است. بی شک این سیاست رژیم نمیتواند مستقیماً از طریق خود رژیم به پیش برده شود. بخشی از اپوزسیون به اصطلاح اصلاح طلب که در همسایگی سیاسی محافل و شخصیت های اپوزسیون مجاز قرار دارند و به ویژه با توجه به اینکه بسیاری از شخصیت های آنها هم اکنون در خارج مستقر بودند در این راه خدمت شایانی به این سیاست رژیم داشته و دارند.

و بالاخره ضربه فزینی نیز میتواند در دستور جمهوری اسلامی باشد. این را نباید از نظر دور داشت. این یکی اما، کار به مراتب سخت تر و با پی آمدهای سیاسی سنگین برای جمهوری اسلامی خواهد بود. به همین خاطر این سیاست را در شرایط ویژه و یا در ابعاد محدودی به کار میبرند. تروریسم رژیم در خارج به این شکل، تابع موقعیت و توازن قوای سیاسی هر دوره است. آدمکشی همواره یک رکن اصلی سیاست جمهوری اسلامی بوده است. جمهوری اسلامی که آدمکش نباشد، سر پا نمی ماند.

جمهوری اسلامی در سالهای اول حکومت و حتی تا یک دهه، سیاست آدمکشی علنی را در دستور داشت. در داخل و خارج می کشت و ابائی هم نداشت که این را با صدای بلند اعلام کند. سالهای ۶۰ و ۶۱ که روزانه صدها نفر را اعدام و با صدای بلند برای رعب در جامعه آن را اعلام میکرد. در همان دهه اول حاکمیت جمهوری اسلامی، جوخه های ترور آن در دنیا علیه نیروهای اپوزسیون و مخالفین سرشناس فعال بود. ترورهای وسیعی در خارج کشور توسط جمهوری اسلامی صورت گرفت. به طور علنی فتوای ترور صادر میکردند. سلمان رشدی نمونه برجسته و قربانی این سیاست بود. دوره ای هم میکشت و صدای آنرا در نمیآورد. به مرور حتی، وقتی میکشت انکار هم میکرد. قتل های زنجیره ای را و قتل های اخیر را در نظر بگیرید. همه میدانند کار رژیم است. قتل ندا و تجاوزات کهریزک را دنیا میداند کار خودشان است اما، خودشان انکار میکنند. این نشانه توازن قوا است. رژیمی است که زیر ضربات مردم خرد میشود جرأت نمیکند سیاست ترور و آدمکشی علنی را در دستور بگذارد و از آن دفاع کند. با هر ترور در خارج مرزها، دنیا روی سر رژیم خراب خواهد شد. قیمت گزافی باید بپردازد. مردم دنیا چهره جنایتکار این رژیم را به خوبی شناخته اند و مردمی که در ایران برای به زیر کشیدن آن خیز برداشته اند، دست رژیم را برای به کار گیری این سیاست بشدت بسته است. رژیم از انسجام کافی برای این سیاست برخوردار نیست. گاه گاه نقشه هایشان به بیرون درز میکند. اینها امکان به کارگیری سیاست ترور در خارج را به شدت محدود کرده است. با اینحال هر جا رژیم و در حد محدودی هم این سیاست را بخواهد در دستور بگذارد باید کل اپوزسیون متحد در مقابل آن بایستند.

**ندای انقلاب:** آیا قصد ندارید با جزئیات بیشتر در این مورد صحبت کنید؟ چه برنامه ای در این زمینه دارید؟

**خلیل کیوان:** ما این موضوع را هم از طریق قانونی و هم از طریق سیاسی دنبال میکنیم. یک سر این توطئه در سویدن و یک سر دیگر آن در المان بوده است. باید در هر دو کشور مسأله دنبال شود. موضوع فی الحال در سویدن از نظر قانونی در جریان است. در المان هم پولیس از ماجرا مطلع شده است. باید تروریست هائی که در سویدن و المان در جریان این پروژه بوده اند به جامعه معرفی شوند. ما نشانه هائی داریم که سفارت جمهوری اسلامی در سویدن در این اقدام دست داشته است. پولیس و دولت های سویدن و المان موظف اند که این مسأله را پیگیری و نتایج آن را به اطلاع عموم برسانند.

این توطئه نشان داد که سفارتخانه ها صرفاً مراکز سیاسی رژیم نیستند. اینها مراکز اطلاعاتی- امنیتی و سازماندهی ترور علیه مخالفان هم هستند. به همین خاطر باید سفارتخانه های رژیم و همه مراکز فرهنگی سیاسی آن بسته شوند. هرگونه رابطه دولتها و نهادهای بین المللی با رژیم آدمکش جمهوری اسلامی و سرکوبگران مردم ایران باید قطع شود. با تلاش و فعالیت گسترده مردم در خارج کشور میتوان و باید برای منزوی کردن بیشتر جمهوری اسلامی کار کنیم. باید برای اخراج نمایندگان جمهوری آدمکش اسلامی ایران از همه مراکز و نهادهای بین المللی با نیرو و شدت بیشتری کار کنیم.